

## اهداف پژوهش و اهمیت آن

در این تحقیق سعی ما بر آن است تا نقش اعتیاد به مواد مخدر در فقر را با توجه به امکانات موجود بررسی نموده و از طرف دیگر گامی خواهد بود جهت انجام تحقیقات بعدی و پرداختن به موضوعات اجتماعی دیگر که هر کدام به نحوی با این قضیه در ارتباط بوده که توجه بیشتر مسئولان و دست اندرکاران به خود را می طلبد و در نهایت سعی ما بر این است تا ببینیم، می توانیم راهی به اندیشیم تا فرزندان طلاق از بالای خانمانسوز به اعتیاد در امان باشند یا خیر؟

## روش تحقیق

در این روش ما از روش میدانی در کتابخانه ای همراه با ارائه پرسشنامه مورد استفاده قرار می گیرد.

## پیش گفتار

پیوند زناشویی نیز همانند همه ی روابط انسانی دیگری می تواند دستخوش افت

و خیزهایی شود. گاه این پیوند مستحکم تر از آغاز آن ادامه می یابد و گاه

مجموعه یی از دلایل این رابطه را به بست کشانده و تداوم آن را نامیسر می

سازد. اگر گسست این پیوندها تنها آینده ی زن و شوهر را تحت تاثیر قرار می

داد، شاید چندان اهمیتی نداشت و فقط آن دو نفر می بایست با عوارض ناشی از

این جدایی بسازند. اما وقتی در اطراف خود به زوج هایی بر می خوریم که از هم

جدا شده اند، در می یابیم که نزدیکان آنان، از فرزندانشان گرفته تا پدر و مادر،

همگی متأثر از قطع این رابطه اند، رابطه ای که به ظاهر میان دو نفر شکل می

گیرد ولی چون شالوده ی خانواده را می سازد تداوم یا گسست آن به عنوان یک

واحد اقتصادی و اجتماعی بر کل جامعه اثر می گذارد.

به عبارت ساده تر، زن و شوهری که کارشان به جدایی می کشد هم خود باید

بار شکست رابطه یی را که انتظار تداوم آن می رفت بر دوش بکشند و گاه از این

بابت تعادل روحی خود را از دست بدهند و هم مسئولیت بزرگ کردن فرزندان

را به تنهایی یا با همسر دیگری متحمل شوند، آن هم در حالی که نه خود نه

فرزندان شان آمادگی روانی چنین تغییری را ندارند. بسیار پیش آمده است که

فرزندان طلاق سرنوشت ناگواری پیدا کرده اند. برای نمونه، مرد همسر دیگری اختیار کرده است و یا زن به همین ترتیب و برای فرزندان ازدواج اول جایی در خانواده ها نیست. این بچه ها گاه طرد می شوند یا مورد آزار قرار می گیرند و در بهترین حالت از آنان غفلت می شود و کسی مسئولیت آنان را نمی پذیرد. البته زن و شوهری که از هم جدا شده اند مورد شماتت اجتماع قرار می گیرند که چرا به فکر فرزندان خود نبوده اند. می بینیم تا مدت ها پس از جدایی نیز هنوز حرف آنان بر سر زبانهاست. در عین حال فراموش نکنیم در جوامع سنتی مانند کشور ما وضعیت زنان طلاق گرفته عموماً بسیار دشوارتر است. آنان بیشتر از هر کس دیگری سرزنش می شوند که چرا با شرایط ناگوار نساختند تا فرزندشان چنین آواره نشود.

البته سرزنش کمترین چیزی است که نصیب آنان می شود و گرنه برای ادامه ی زندگی باید با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم کنند. گفتیم خانواده واحد اقتصادی نیز به شمار می آید. پس همین که این واحد تقسیم شد مسئله ی گذران زندگی، به خصوص برای زنان و فرزندان، عمده خواهد گشت. زنی که تامین مالی ندارد یا نمی تواند شغلی برای خود دست و پا کند تا سربار زندگی پدر و مادر یا اقوام نزدیکش نباشد به ناچار به دریافت مهریه و اجرت المثل دل می بندد. اما در

عمل در تنگناهایی قرار می گیرد که گاه در درستی تصمیم خود شک می کند. حتی زنان دیگر با دیدن سرنوشت دشوار او برای آن که طلاق نگیرند یا طلاق

داده نشوند بار همه ی مشکلات را بر دوش می کشد. مساله نگهداری از فرزندان به مشکلات طلاق و عوارض بعدی آن می افزاید، یعنی زن طلاق گرفته چه از نگهداری فرزند محروم شده باشد و چه سرپرستی آنان را بر عهده گرفته باشد باید کوهی از گرفتاری ها را از میان بردارد، آن هم در شرایطی که هنوز جراحت های ناشی از شکست زندگی پیشین التیام نیافته است. البته باز اگر خود

درخواست طلاق داده باشد آمادگی بیشتری برای زندگی جدید دارد ولی درماندگی و استیصال زنانی که به آسانی و به بهانه های واهی طلاق داده شده اند ناگفتنی است.

گفتیم طلاق بعد اجتماعی نیز دارد، یعنی جامعه نیز در معرض مشکلات ناشی از طلاق قرار دارد و باید چاره جویی هایی برای رفع آنها بیندیشد. نهادهای

اجتماعی موظف اند برای حفظ امنیت و سلامت جامعه از مصائبی که برای زوج های خواستار طلاق و فرزندان آنان پیش می آید جلوگیری کنند و یا با اتخاذ تصمیمات مناسب و اجرای آنها درصدد حل مشکلات برآیند وگرنه بحرانی بر بحران های جامعه افزوده می شود و ترقی و رشد ناممکن می گردد.

همین جا به بعد فرهنگی طلاق نیز باید اشاره کنیم. عرف و سنت هر جامعه شیوه ی متفاوتی را برای پرداختن به این موضوع اختیار کرده است. در پاره ای فرهنگها به کلی آن را زشت و ناپسند شمرده اند و در برخی جوامع شکل ها و مقررات دیگری برای آن در نظر گرفته اند.

در کشور ما نیز مسئله ی طلاق به دلایلی بسیار خطرناک است، زیرا هم باعث پاشیده شدن کانون خانواده می شود و هم باعث آواره شدن فرزندان آن خانواده می شود. زیرا سرپناه امنی را برای زندگی ندارند و هیچ جایی را برای زندگی

مناسبتر از کانون خانواده و در کنار تمام اعضای خانواده نمی دانند. یکی از عوارضی که طلاق می تواند بر روی فرزندان طلاق بگذارد اعتیاد است که در بخش های بعدی از آن به طور مفصل توضیح می دهیم. اعتیاد به مواد مخدر یکی از جنایتهای بیشماری است که توسط غرب و عوامل وابسته به آن صورت گرفته است. بدیهی است که یکی از اهداف شوم و ضد انسانی تلاش در محو هویت

فرهنگی و نابودی شهامت و شجاعت و صلابت و نظم و انضباط، بوده تا انسان به موجودی بی اراده و سست عنصر و بی انگیزه تبدیل کنند و اعتیاد به اقتصادی و سیاسی و احیانا پاره ای از ضعفها و نارسائیهها و همچنین پاره ای از برخوردهای نادرست و عدم شناخت صحیح و دقیق را نادیده گرفت.

## بخش اول

### طلاق

طلاق چیست؟

دکتر معین در کتاب فرهنگ لغت خویش طلاق را از لحاظ معنوی جدا شدن از مرد

معنا کرده است، البته همه در تعریف طلاق اشتراک دارند و در لغت آن را به

معنای رها شدن از قید نکاح می دانند. در مورد طلاق به برخی روایتها استفاده

می شود که می گویند اگر علت و اسباب خاصی برای طلاق نباشد این کار حرام

است. از سوی دیگر، عده ای معتقدند که با آن که در متن آیات قرآن امر به طلاق

نشده است اما همین که به آثار و پی آمدهای بعدی آن اشاره رفته است کافی

است تا قبول کنیم هر گاه زن و شوهر به ناسازگاری برسند می توانند از حق

طلاق استفاده کنند.

این حق تا سالیانی در قانون مدنی ایران که برگرفته از فقه امامیه است منحصر

به مرد تعلق داشت و سپس به مرور برای تطبیق آن با شرایط امروز خانواده ها

تعدیل هایی صورت گرفت.

**افزایش طلاق در زندگی جدید:**

در گذشته کمتر درباره ی طلاق و عوارض سوء آن و علل پیدایش و افزایش آن و

راه جلوگیری از وقوع آن فکر می کردند، در عین حال کمتر طلاق صورت می

گرفت و کمتر آشیانه ها به هم می خورد. مسلماً تفاوت دیروز و امروز در این

است که امروز علل طلاق افزایش یافته است. زندگی اجتماعی شکلی پیدا کرده است که موجبات جدایی و تفرقه و از هم گسستن پیوندهای خانوادگی بیشتر شده است و از همین جهت مساعی دانشمندان و خیرخواهان تاکنون به جایی نرسیده است و متأسفانه آینده‌ی خطرناک تری در پیش است.

درباره‌ی علت بروز طلاق نیز نظریه‌های گوناگونی طرح می‌شود. بسیاری آن را پدیده‌ی شهری می‌دانند. با آمار و تحقیق نشان می‌دهند که طلاق در روستاها رواج کمتری دارد تا شهرها و می‌گویند که علت آن بسته بودن جامعه

روستایی است، و این که در روستاها عموماً همه با هم آشنا هستند و در مواقع دشوار و تنگناهای اقتصادی به کمک هم می‌آیند. از سوی دیگر، پابندی به سنت‌ها و ناآشنایی به حقوق خود مانع از درخواست طلاق از سوی زنان روستایی می‌شود. حال آن که در شهرها همه چیز، از گرفتاریهای اقتصادی گرفته تا تفاوت‌های فاحش فرهنگی میان زوج‌ها، دست به دست هم می‌دهند و آمار طلاق

را بالا می‌برند. البته طبیعی است که وقتی برخی قوانین به نفع زنان، به ویژه در زمینه‌ی محدود کردن اختیارات مرد به تصویب می‌رسد، زنانی که با توسل به همین اصلاحات می‌توانند زندگی ناسالم زناشویی خود را ترک کنند درخواست طلاق می‌کنند و افزایش این آمار نباید در وهله‌ی نخست نگران‌کننده به نظر



برسد بلکه بر عکس نشان گر آن خواهد بود که از این حق به درستی استفاده می شود. استفاده از چنین حقی به فرزندان خانواده ها بحران زده امکان می دهد تا در شرایط آرام تری به دور از اختلافات خانوادگی زندگی کنند.

بررسی عوامل طلاق می تواند نکات آموزنده ای را به ما گوشزد کند. اگر گزارشهای مطبوعات یا رسانه ها را از کسانی که به دادگاه رجوع می کنند در نظر آوریم می بینیم بسیاری از آنان جوانند و برخی بر اثر ازدواج های ناخواسته کارشان به دادگاه کشیده شده است، یعنی آن عدم تمایل اولیه و تن دادن به

خواست خانواده ریشه ناسازگاری هایشان بوده است. زوج های دیگر شکایت از آن دارند که در خانواده تصمیم گیری فقط با یک نفر است و عموماً زن از مشارکت در این امر به کنار گذاشته شده است. بسیاری اعتیاد همسرشان را تحمل ناپذیر دانسته و می خواهند از او جدا شوند بعضی از ازدواج ها به خاطر دخالت های بی جای خانواده از هم می پاشند. اما از همه ناگوارتر شکایت هایی

است که به سبب ازدواج های دوم مرد به دادگاه ارائه می شوند. مردانی نیز پیدا می شوند که می گویند چشم و هم چشمی همسرشان با در و همسایه و خانواده و یا زیاده خواهی آنان زندگی مشترک را به خطر می اندازد. به هر رو، مجموعه

هایی از عوامل دست به دست هم داده و بن بست را پدید می آورند که طلاق تنها راه حل ممکن جلوه می کند.

### طلاق در ایران:

در هر جا که آداب و رسوم جدید غربی بیشتر نفوذ کرده است، آمار طلاق هم افزایش یافته است. مثلاً اگر ایران خودمان را در نظر بگیریم، طلاق در شهرها بیش از ولایات است، و در تهران که آداب و عادات غربی رواج بیشتری دارد بیش از شهرهای دیگر است. بیش از یک چهارم طلاقهای ثبت شده سراسر کشور

مربوط به تهران است، یعنی ۲۷ درصد طلاق های ثبت شده را تهران تشکیل می دهد، با اینکه نسبت جمعیت تهران به جمعیت سراسر کشور ۱۰ درصد می باشد. به طور کلی درصد طلاق در شهر تهران بیش از درصد ازدواج است. وقایع ازدواج تهران ۱۵ درصد کل ازدواج کشور است.

اگر در گذشته درباره ی طلاق و عواقب و پیامدهای آن کمتر سخن رفته، شاید یکی از دلایل این باشد که تعداد موارد طلاق به اندازه ی امروز نبوده است. زندگی اجتماعی امروزه طوری شکل گرفته که بیش از پیش موجبات جدایی و تفرقه و از هم گسستن پیوندهای خانوادگی را فراهم آورده است. هر جا فرهنگ غربی رسوخ بیشتر یافته، نرخ طلاق هم فزونی داشته است. در ایران نیز همانند

دیگر کشورهای جهان، طلاق سابقه ای طولانی دارد و می توان گفت که سابقه ی این امر به نخستین روزهای تشکیل خانواده و ایجاد جوامع انسانی باز می گردد.

همچنین پیداست که در ادوار مختلف تاریخی برای طلاق در ایران مقررات و قوانین متعددی وجود داشته که معرف نگرش جامعه نسبت به این امر بوده است.

جدول میزان ازدواج و طلاق ثبت شده ی کشور در سالهای ۱۳۶۵ الی ۱۳۷۰

سال	تعداد ازدواج	تعداد طلاق	نسبت طلاق به ازدواج (درصد)
۱۳۶۵	۳۴۰۳۴۲	۳۵۲۱۱	۱۰/۳
۱۳۶۶	۳۴۶۶۵۲	۳۳۴۳۳	۹/۶
۱۳۶۷	۳۶۱۹۴۵	۳۳۱۱۴	۹/۱
۱۳۶۸	۴۵۸۷۰۸	۳۳۹۴۳	۷/۴
۱۳۶۹	۴۵۴۹۶۳	۳۷۸۲۷	۸/۳
۱۳۷۰	۴۴۸۸۵۱	۳۹۳۳۶	۸/۸

با توجه به جدول تعداد طلاق و ازدواج هر دو از سال ۶۵ تا ۷۰ افزایش یافته اند

ولی در طی این ۵ سال میزان ازدواج نسبت به میزان طلاق بیشتر بوده است.

## انواع طلاق:

طلاق در اسلام را می توان به چهار نوع تقسیم کرد:

(۱) طلاق رجعی: آن است که بعد از طلاق تا وقتی که زن در عده است مرد می تواند به او رجوع کند.

(۲) طلاق بائن: آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند، یعنی بدون عقد او را به زنی قبول نماید.

(۳) طلاق خلع: طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر خود را به او می بخشد که طلاقش دهد طلاق خلع گویند.

(۴) طلاق مبارات: اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد آن را طلاق مبارات گویند.

## ارکان طلاق در اسلام:

طلاق دارای چهار رکن است که عبارتند از:

(۱) مطلق: طلاق دهنده

(۲) مطلقه: طلاق داده شده

(۳) صیغه ی طلاق

(۴) اشهاد: حضور دو شاهد عادل در مجلس طلاق

## علل و انگیزه های طلاق:

شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک بر اساس موارد غیر معقول و

غیر منطقی از آغاز «طلاق» را در بطن خود دارد، به نحوی که وقوع آن از همان

ابتدا قابل پیش بینی است و حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تداوم یابد و به

انحلال خانواده منجر نشود، مصداق اصطلاح «سوختن و ساختن» را در بردارد،

زیرا معیارهای همسرگزینی و شرایط تحقق ازدواج در اکثر موارد عقلایی نبوده و

انتخاب همسر مبتنی بر تحمیل پدر و مادر، مصلحت اندیشی، شناخت های

ابتدایی، نه عمیق و کافی و علایق آنی و زودگذر بوده است. از این رو گام اول

برای کاهش و کنترل طلاق، سالم سازی شرایط تشکیل خانواده است. به طور

کلی علل افزایش طلاق را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

(۱) ظاهر شدن تدریجی مشکلات مالی که ممکن است قسمتی از آن از هزینه های

جشن و مراسم ازدواج ناشی شود. طبعا قسمت دیگر فشارهای مالی به افزایش

هزینه های زندگی پس از ازدواج ارتباط دارد.

(۲) عدم توافق اخلاقی و جنسی

(۳) عدم علاقه و احتمالا کراهت طرفین از همدیگر، مثل برخی از ازدواج های

فامیلی، مصلحتی و تحمیلی که به تدریج ظاهر می شود.

۴) دخالت دیگران به ویژه خانواده های زوجین که معمولاً مایه ی رنجش زن و شوهرهای جوان می شود و گاه طلاق از پیامدهای آن است.

۵) سوء ظن، عدم تمکین، عدم پای بندی به مذهب، اعتیاد، زیاده طلبی و فزون خواهی، انتخاب نادرست اولیه، کمی سن ازدواج، ناآگاهی و بی سوادی، تفاوت فرهنگی، ازدواج مجدد، بیکاری، نداشتن مسکن، اختلاف در تعیین محل زندگی، عدم تایید ازدواج توسط خانواده و خویشاوندان، عدم زن و شوهر نسبت به ایفای نقش ها و وظایف خود و ...

متأسفانه بیشتر طلاقتها به دلیل عصبانیت از یکدیگر یا لجبازی یا عدم درک متقابل یا انتظارات بیجا از همدیگر اتفاق می افتد.

از روشهای غلطی که متأسفانه در نسل جوان امروز به دلیل داشتن الگوهای غلط مورد استفاده قرار می گیرد و همچنان رو به افزایش است، استفاده از حربه غیر اخلاقی و غیر انسانی بچه دار شدن بدون آگاهی و رضایت طرف مورد نظرشان

است. یعنی وجود بچه را حربه ای برای رسیدن به هدف خود قرار می دهند و این جز خودخواهی و جهالتشان چیز دیگری را نمی رساند. مسلم است عملی که از روی اجبار انجام شود، دوامی نخواهد داشت. زیرا ازدواجهایی که با میل و خواست دو طرف صورت می گیرد، متأسفانه در بسیاری از موارد به دلیل عدم

توجه کافی منجر به شکست و در نهایت به جدایی ختم می شود. حال چگونه می توان انتظار داشت ازدواجهایی که از روی اجبار و از ابتدا با اختلاف سلیقه و

عقیده و عدم رعایت احترام متقابل و فقط به خاطر وجود فرزند انجام می شود، دوامی داشته باشد؟

جای تاسف است که طبق آمار در چند سال اخیر، پنجاه درصد ازدواجها در مدت بسیار کوتاهی به طلاق منجر شده و اصولاً امروزه در بیشتر موارد هدف ازدواج به اشتراک گذاشتن نیازهای روحی، جسمی، مالی، اجتماعی و مسایلی از این قبیل

نیست. بلکه در بیشتر موارد جنبه ی اقتصادی آن مطرح است. تنها کسانی که در این میان به واقع مطرح نیستند، فرزندان اند. این افراد مشغله ی زیاد و عدم داشتن وقت کافی را بهانه می کنند. این گونه والدین در حق فرزندان خود قصور می کنند و به این بهانه خود را متقاعد می کنند تا مورد سرزنش بچه هایشان و اجتماع قرار نگیرند. غافل از اینکه چه بخواهند و چه نخواهند، زندگی آینده ی

فرزندانشان نشان دهنده ی عملکردشان در مورد آنها خواهد بود. مشکلات و مسایل تربیتی جامعه هم باعث شده که والدین نتوانند از عهده ی تربیت صحیح فرزندان خود برآیند.

اگر مسئولان همکاریهای لازم را برای سالم ساختن ریشه‌ی مشکلات اجتماعی و خانوادگی با والدین به عمل نیاورند، به جرئت می‌توان گفت که کشور ما افسرده

ترین، بی‌ادب‌ترین و بی‌معیارترین نسل را در کل دنیا پرورش خواهد داد. هستند معدود کشورهایی که اصل تربیت را سر لوحه‌ی تمام هدفهای خود قرار می‌دهند و به همین دلیل افراد آن از روح و روان سالمی برخوردارند و زندگی خانوادگی آنها نیز از ثبات بسیار زیادی برخوردار است. مسئولان چنین کشورهایی راز مهم شناخت تربیت فردی و اجتماعی را می‌دانند و آن را در رأس

هدفهای اجرایی نظام حکومتی خود قرار می‌دهند، نه مثل کشور ما که فقط تربیت اقتصادی را در رأس همه‌ی هدفهایمان گذاشته‌ایم و به خاطر اینکه ثروتمندترین و در اصل قدرتمندترین کشور دنیا هستیم، به سایر کشورهای جهان می‌بالیم. غافل از اینکه به خاطر به دست آوردن چنین مقامی در دنیا، افراد را تحت فشارهای کاری و مالی بسیار قرار می‌دهیم. در اصل به نابود کردن روح و

احساس آنها پرداخته‌ایم. چون حیات انسان در گروی روش است و نیازمند عشق و محبت و آرامش است. اگر لزوماً کاری غیر از این انجام دهیم افرادی بی‌روح و خشک پرورش داده‌ایم. در چنین شرایطی به نیازهای منطقی افراد پاسخ مثبتی داده نمی‌شود، در نتیجه هر روز عصبی‌تر، عجول‌تر، بی‌حوصله‌تر،



سرگشته تر و افسرده تر می شوند و دیگر حتی حوصله ای برای بودن با عزیزترین کسانشان را هم ندارند. در اصل همه خسته اند! و به دلیل همین

خستگیها، زوجها حوصله ی صحبت در مورد مشکلاتشان را ندارند و به جای صحبت کردن و یافتن راه حل صحیح با داد و فریاد و پرخاش و فحش و ناسزا می خواهند به بحث خاتمه دهند یا بگویند همین است که هست! به همین دلیل زندگی مشترک آنها دچار مشکل شده و در نهایت به جدایی ختم می شود.

زن و شوهری که به علی نتوانند به هیچ وجه به سازش و تفاهم برسند، بهتر است با قبول جدایی و طلاق، فرزندان خود را نجات دهند و در جهنمی از جنگ و ستیز ننگه ندارند. تا در آینده هم شاهد شکست آنها در زندگی خانوادگی و اجتماعی شان نباشند.

اگر افراد فکر می کنند که زندگی همیشه باید حالت عاشقانه اش را حفظ کند باید قوانینش را رعایت کنند. وگرنه این تصور چیزی جز گول زدن خود نیست. زیرا

هر ارتباطی در بدو شروع به دلیل عدم شناخت خواستها و دیدگاهها و اندیشه های طرفین و درک و یافتن آنها برای یکدیگر جذابیت بسیار دارد ولی بعد از مدتی با شناخت، بسیاری از آنها تقریباً آن حالتهای جذاب و احساساتی و عاشقانه جای خود را به عادت می دهد. در نتیجه رابطه از یک حالت هیجانی و

عشقی به یک حالت عادی و معمولی تبدیل می شود. وظیفه ی دو طرف است که هر روز به نوعی با بیان علاقه ای که به هم دارند و احترامی که به خواست یکدیگر می گذارند، و حفظ امنیت عاطفی ای که با صداقت و اعتماد و محبت طرفین به وجود می آید و در نهایت به طرف مختلف سعی کنند جذابیت را در زندگی شان حفظ کنند که کاری است بس دشوار ولی امکان پذیر. در واقع وقتی زن و شوهر دارای فرزند می شوند، دیگر فقط به خودشان متعلق نیستند. موجود دیگری جذابیت خاصی به زندگی شان بخشیده که از این پس باید ضمن حفظ یک ارتباط خانوادگی سالم و دانستن اینکه هر کسی جای خودش و وظیفه ی خودش را دارد، هدفشان به وجود آوردن و دادن بهترینها یعنی عشق و امنیت عاطفی به میوه های زندگی شان باشد.

زیرا در زندگی خانوادگی و مشترک دیگر من مطرح نیست، ما مطرح است و اگر زن و شوهر نمی خواهند چنین مسئولیتی را قبول کنند و در رویاهایشان زندگی می کنند و با واقعیتها سازگار نیستند و می خواهند همیشه ارتباط عاشقانه و احساسی در زندگی شان به چشم بخورد، و در عین حال با گذشت و صبور نیستند و حوصله ی کار کردن روی رابطه شان را ندارند، به عبارت دیگر فرد تنوع طلبی هستند، هیچ لزومی ندارد که ازدواج کنند و مهم تر از آن بچه دار

شوند و اگر می خواهند که با یکدیگر ازدواج کنند برای داشتن و ادامه و حفظ و نگهداری یک ارتباط نیاز به شناخت یکدیگر و گذشت و صبوری و مهربانی دارد.

هر ارتباطی در دو سه سال اول به دلیل عدم شناخت کافی از یکدیگر دچار مشکل می شود و اختلاف سلیقه و عقیده پیش می آید، ولی اگر زوجها صبور باشند و در مورد مسایل و مشکلاتشان با رعایت احترام و مهربانی با هم صحبت کنند، مطمئن باشند که به مرور زمان همدیگر را بهتر درک می کنند و زندگی شان ثبات بیشتری پیدا خواهد کرد.

اصولاً داشتن مشکل و تلاش در پیدا کردن راه حل آنها قانون زندگی است و هر کسی باید هنر زندگی کردن را بیاموزد تا بتواند راههای مناسب و معقولی برای رفع مشکلاتش پیدا کند. زیرا در یک ارتباط مشترک وقتی مسئله ی جدایی پیش می آید، هر دو مقصر هستند ولی یک طرف همیشه بیشتر مقصر است.

متفکران و جامعه شناسان، طلاق را یکی از آسیب های اجتماعی به شمار آورده، بالا رفتن میزان آن را نشانه ی بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی محسوب می شود.

ازدواج و ارتباطی که بر پایه ی عشق و محبت نهاده شده، از ثبات و نیک بختی عمیق تری برخوردار است. زیرا هر یک از دو شریک زندگی دیگری را و هر دو، فرزندان خویش را به طور مدام از مهر و دوستی که از بزرگترین نیازهای انسانی است، سیراب می سازند. و سحرانگیزترین خصوصیات محبت آن است که هر چه بیشتر به دیگران محبت شود، مردم مهر و محبت بیشتری آرایه می دهند. اگر زن و شوهرها که اکثر آنها والدین هستند، و سایر افراد در روابطشان بدان گونه عمل کنند، زندگی نسبتاً موفق خواهد داشت.

ولی مشکل این جاست که در جامعه ی ما بسیاری از افراد برداشتی متفاوت از آن دارند و به همین دلیل است که اکثراً هم کارشان به جدایی کشیده می شود. به عبارت دیگر مفهوم ازدواج را اشتباه متوجه شده اند. بسیاری از افراد فکر می کنند وقتی با هم ازدواج کردند و یا حتی شروع به زندگی کردند، به جای اینکه در بدست آوردن درک صحیحی از خواستها و نیازها و علایق یکدیگر تلاش کنند، سعی در عوض کردن یکدیگر می کنند تا به عبارتی طرف را مطابق میل و سلیقه ی خود درآورند.

زندگی مشترک تنها در تامین و رفع نیازهای مادی، اقتصادی و تداوم نسل نیست، بلکه حس مشارکت و تفاهم برای وسعت نگرش و امکان دستیابی به

فرصتهای بیشتر است. به بیان دیگر زندگی مشترک مبتنی بر قرارداد بین زن و مرد برای ارضای نیازهای خود و به تبع آن انجام تمام کارکرد آن شامل روحیه ی همکاری، تقسیم کار، تربیت و پرورش کودکان و ایجاد مأمّن مهر و عطف است.

اما متأسفانه امروزه احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه بین مرد و زن به سستی گراییده است و خانواده به گونه ی فزاینده ای با نیروهای مخرب مواجه شده و تهدید مهمی برای سلامت جامعه به شمار می رود. مجموعاً پنج فرضیه در مورد طلاق می توان اظهار داشت:

(۱) بی اهمیتی طلاق و برداشتن همه قید و بندهای قانونی و اخلاقی جلوگیری از طلاق. کسانی که به ازدواج تنها از نظر کامجویی فکر می کنند، جنبه تقدس و ارزش خانواده را برای اجتماع در نظر نمی گیرند و از طرفی فکر می کنند پیوندهای زناشویی هرچه زودتر تجدید و تبدیل شود لذت بیشتری به کام زن و مرد می ریزد، این فرضیه را تایید می کنند.

(۲) اینکه ازدواج یک پیمان مقدس است، وحدت دلها و روحهاست و باید برای همیشه این پیمان ثابت و محفوظ بماند و طلاق از قاموس اجتماع بشری باید

حذف شود، زن و شوهری که با یکدیگر ازدواج می کنند، باید بدانند که جز مرگ چیزی آنها را از یکدیگر جدا نمی کند.

۳) اینکه ازدواج از طرف مرد قابل فسخ و انحلال است و از طرف زن به هیچ نحو قابل انحلال نیست.

۴) اینکه ازدواج مقدس و کانون خانوادگی محترم است، اما راه طلاق در شرایط مخصوص برای هر یک از زوجین باید باز باشد و راه خروجی زوج و زوجه از این بن بست باید به یک مشکل و یک جور باشد.

۵) اینکه ازدواج مقدس و کانون خانوادگی محترم و طلاق امر منفور و مبغوضی است، اجتماع موظف است که علل وقوع طلاق را از بین ببرد. در عین حال قانون نباید راه طلاق را برای ازدواجهای ناموفق ببندد. راه خروج از قید و بند ازدواج هم برای مرد باید باز باشد و هم برای زن، اما راهی که برای خروج مرد از این بن بست تعیین می شود با راهی که برای خروج زن تعیین می شود دو تاست و از جمله مواردی که زن و مرد حقوق نامشابهی دارند طلاق است.

عواقب و پیامدهای طلاق بر فرزندان

عواقب و پیامدهای طلاق یا تایید ضمنی طلاق در پدیده های روانی و اجتماعی را می توان به طور اختصار چنین برشمرد:

۱- بزهکاری کودکان و نوجوانان، ناسازگاری و رفتارهای ضد اجتماعی آنان.

۲- فحشا به ویژه در نتیجه ی فقر و ناآگاهی

۳- اعتیاد زنان، مردان، کودکان و استفاده از کودکان در توزیع مواد مخدر و

دیگر فعالیت های غیر مجاز

۴- پرخاشگری و ناسازگاری کودکان و نوجوانان، فرار از منزل و ولگردی آنان

۵- افت تحصیلی، خودکشی زن یا شوهر و حتی فرزندان آنان

۶- کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده به ویژه بچه های طلاق

۷- اهمال و مسامحه والدین در تعلیم و تربیت فرزندان، ایجاد آسیب های روانی و

اجتماعی برای آنان

۸- بچه های طلاق با گذشت چندین سال نمی توانند ثبات هیجانی و عاطفی خود

را به دست آورند. از آنجا که هسته ی مرکزی شخصیت افراد به نظر بسیاری از

پژوهشگران روان شناسی در دوران کودکی شکل می گیرد این گونه کودکان در

بسیاری از موارد دچار اختلالات شخصیتی خواهند شد.

۹- فرزندان طلاق اکثراً افسرده، گوشه گیر و منزولی هستند و اتکای به نفس آنان

نیز به شدت کم می گردد.

۱۰- فرزندان طلاق آینده ی خوبی را برای خود تصور نمی کنند و اطمینان خود را نسبت به ارکان زندگی از دست می دهند و در آینده نسبت به افراد پیرامون خود و در مقیاس بالاتر اجتماع، به نوعی بی اعتنایی و بی توجهی کشیده می شوند.

بسیاری از جرایم بزرگسالان، ریشه در مراحل اولیه ی رشد و تربیت دوران کودکی دارد. گستاخی مفرط و خودخواهی لجوجانه که در برخی از افراد عاصی و طغیانگران قانون شکن بروز می کند بستگی به تنفر و کینه ای دارد که در دوران کودکی آنان پدید آمده است.

وجود فشارهای روانی و اختلال های عاطفی در خانواده ی نوجوان می تواند او را وادار به فرار از کانون خانواده نماید.

جدایی والدین و یا نبود یک یا هر دو آنان در خانواده ضربات عاطفی بر روحیه حساس و زودرنج کودک و نوجوان وارد می آورد. این عواقب را می توان به چند

نمونه نام برد:

۱- عقده ای بودن فرزندان:

بعضی از این مشکلات ناشی از شکل گیری عادات نادرست در دوران کودکی است، کودکی که همواره از طرف خانواده خود به شیوه های گوناگون از جمله



خشونت و تنبیه زیاد تحقیر می شود، در ضمیرش عقده های حقارتی به وجود می آید که او را به طور ناخودآگاه به سوی انتقام و کارهای خلاف سوق می دهد.

## ۲- فرار از خانه:

فرار از خانه نوعی فرار از مشکل است. الگوی تحمل ناملایمات و فشارهای زندگی در کودک باید به طور عملی در جایی بیاموزد فرار از خانه اغلب به علت ترس خشم یا انتقامجویی در مقابل عوامل مخرب و آشفته خانوادگی است.

کودکان و نوجوانانی که بارها بدون گناه و تقصیر تنبیه می شوند یا از انجام دادن تقاضاهایی بیش از ظرفیت و توانایشان عاجز هستند. فرار را بر قرار ترجیح می دهند. روانکاوان عقیده دارند فرار، گریز، از کشمکش و عوامل هیجان آور است و در واقع نشانه ی پناه بردن به چیزی دیگر است، کودک نوجوان در حقیقت به دنبال مهر و محبت می رود.

بعضی از دختران جوان به تصور اینکه وارد عالم جدید و بهتری شوند دست به فرار می زنند که اغلب دچار انحرافات اخلاقی می شوند.

۳- کمبود عاطفه:

از عواقب طلاق، خلا عاطفی است که فرزندان طلاق احساس می کنند و در اکثر

موارد برای جبران این کمبود محبت دست به اقداماتی می زنند که معمولاً مورد پسند شرع و اجتماع نیست.

۴- اعتیاد

شایان ذکر است که اعتیاد عوامل مختلفی دارد که ما در این جا فقط به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم که عبارتند از: کمبود محبت، احساس تنهایی و بی پناهی،

افسردگی و غم و اندوه، کنجکاوی و ارزیابی قدرت صبحی، از هم پاشیدن محیط خانواده به علل طلاق یا فوت یکی از والدین، عدم سرپرستی و مراقبت صحیح والدین، زیاده روی در محبت، آزادی بیش از حد، عدم مراقبت و هدایت در اوقات فراغت و نکته ی آخر اینکه شکوفایی ایمان در سنین کودکی زمینه را برای رشد آن در دوران نوجوانی فراهم می آورد و نوجوان را از بسیاری آفت های روحی

و اخلاقی و اجتماعی مصون می دارد. کودکانی که از داشتن یک پشتوانه دینی در تربیت خود محرومند غالباً مشکلات جدی در آینده پیش روی خواهند داشت.

۵- کمبود محبت و توجه و امنیت

اگر خانه محیطی آرام برای اعضای آن نباشد و هر یک از اعضا به گونه ای احساس کمبود محبت و توجه و امنیت کنند، همچون محیطی آلوده مستعد رشد میکروب خواهد شد.

پس برای واکسینه نمودن اعضای خانواده باید از داوری محبت و صمیمیت سود جست.

از عوامل دیگر می توان گفت: سیاه بخت شدن فرزندان، ولگرد خیابان ها، فرار از خانه و در آخر پشیمانی.

واقعیت تلخ طلاق همیشه بیشترین ضربه را به فرزندان در ابعاد مختلف می زند که نتیجه ی آن در زندگی آینده شان کاملا آشکار خواهد بود. زیرا مشکلاتی که این فاجعه تلخ به وجود می آورد، متأسفانه تاثیرات منفی بسیار زیادی در زندگی آن ها و به خصوص فرزندان آن می گذارد. یکی از بزرگترین اثرات منفی آن این است که چون بچه ها اکثرا بعد از طلاق با مادران خود زندگی می کنند. به دلیل

ناآگاهی و بی تجربه گی از روشهای بسیار غلطی استفاده می کنند و فراموش می کنند زمانی که با او رابطه داشته اند مسلما خالی علاقه و عشق نبوده اند ولی به دلایلی نتوانسته اند با هم کنار بیایند آنها معمولا به خاطره هایی که با پدر فرزندان داشته اند، رنگ غم می دهند و خویش را بی گناه و معصوم جلوه می

دهند و او را آدمی پست و زدن معرفی می کنند. غافل از اینکه کودکی نیازمند آن است که پدر و مادر خود، هر دو را با ارزش بدانند و در غیر این صورت متوجه می شود که خودش نیز بی ارزش است. از این رو به خاطر سعادت فرزندان هم که شده، دو طرف باید از خصوصیات و صفات خوب یکدیگر با بچه هایشان صحبت کنند. چون به هر حال علاقه یا کشش بوده که آن دو را به ازدواج کشانده و صلاح است که طرفین به خصوص مادران که از بچه ها نگهداری می کنند. این عشق را کاملاً پوچ و بی معنی جلوه ندهند البته در بسیاری از موارد جهالت جوانی در مورد والدین این مشکل را برای فرزندان به وجود می آورد.

بچه های طلاق در غیبت پدر غمگین و عصبی و در نهایت افسرده می شوند و به صورت های مختلف سرکششها و لجبازی های خود را نشان می دهند که حاصل آن در بیشتر دخترها بچه دار شدن بی موقع و ترک مدرسه و در پسرها اعتیاد و الکی شدن و انواع بزهکاری است.

همه ی این طلاق های بی رویه غیر ضروری که فرزندان مجبور به پذیرش هستند. به خاطر خودخواهی والدین است که حاضر به گذشت و فداکاری حتی به خاطر فرزندانیشان نیستند و نمی خواهند کمی به خودشان زحمت بدهند و روی مشکلات و رابطه شان تعمق کنند. فقط می خواهند با داد و فریاد و زدن حرفهای

ناسزا زندگی را پیش ببرند که در اصل نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه به مشکلات می افزایند.

والدین باید غیر از رسیدگی به تعلیم و تربیت و رعایت بهداشت روانی و بذل مهر و محبت و به طور کلی مهیا کردن غذای روح برای آنها، به غذای جسمی این عزیزان هم توجه لازم را مبذول دارند. به خصوص مادرانی که کار کردن خارج از خانه را بهانه ای برای عدم رسیدگی به این امر قرار داده اند. دلیل اینکه جامعه ی ما در ارتباط با جوانان و مشکلات و مساییشان به بن بست

رسیده، همین طلاق های بی رویه ی امروزی است زیرا پدر و مادرانی که با هم زندگی می کنند و در بزرگ کردن فرزندانشان به هم کمک می کنند، با مشکلات بیساری روبرو هستند. چه برسد به این که مسئولیت های پدر هم به عهده ی مادر گذاشته شود و مشکلات مادی هم مزیدی بر علت گردند! بنابراین فراموش نکنیم که طلاق یک فاجعه است، اما اگر تنها راه حل موجود

باشد، وظیفه داریم اثرات مخرب آن را به حداقل برسانیم. کودکان قربانیان اصلی طلاق والدین خویش هستند. اگر نتوانسته ایم فضای مطلوب و شادی بخش خانوادگی را برایشان فراهم کنیم، دست کم باید بیاموزیم که چگونه آنان را از

صدمات ناشی از طلاق درامان داریم یکی از مهمترین آثار طلاق پدر و مادر بر  
فرزندان خویش اعتیاد است که در بخش جدید در پیش رو خواهیم داشت.

بخش دوه

اعتیاد

## زمینه و تاریخچه:

اعتیاد به مواد مخدر یکی از جنایتهای بیشماری است که توسط غرب و عوامل

وابسته به آن صورت گرفته است. بدیهی است که یکی از اهداف شوم و ضد

انسانی تلاش در محو هویت فرهنگی و نابودی شهامت و شجاعت و صلابت و

نظم و انضباط، بوده تا انسان به موجودی بی اراده و سست عنصر و بی انگیزه

تبدیل کنند و اعتیاد به مواد مخدر بصورت ابزاری بسیار موثر و کارساز درآمد.

البته نباید اثرات نابسامانیهای اجتماعی و ناهنجاری اقتصادی و سیاسی و احیانا

پاره ای از ضعفها و نارسائیهها و همچنین پاره ای از برخوردهای نادرست و عدم

شناخت صحیح و دقیق را نادیده گرفت.

گسترش اعتیاد به مواد مخدر خاصه در هرم سنی جوانان و علل و عواملی که

باعث گرایش این قشر شده باعث ایجاد ناامنی در سطح جامعه گردیده است. از

آنجاییکه یکی از آثار زیانبار گرایش به مواد مخدر در فقر خود را نشان می دهد

و تبعات بعدی آن دامنگیر خانواده و جامعه می باشد از مهمترین عواملی است که

فکر و ذهن دست اندرکاران تامین امنیت اجتماعی در سطح جامعه را به خود

معطوف داشته است و جا دارد که در این رابطه توسط مسئولین امر تدابیری

لازم اتخاذ گردد. لذا در این تحقیق قصد دارم تا به نقش اعتیاد به مواد مخدر و



فقر را در جامعه ایران طی سال ۱۳۸۵ / ۱۳۸۴ با توجه به محدودیت هیای که پیش بینی می شود که از اهم آن می توان به عدم ارائه آمار و ارقام و نیز مسائل مرتبط به آن اسره نمود، لذا هر چند بطور مختصر مورد بررسی قرار می دهم.

اعتیاد به مواد مخدر یکی از جنایات های بیشماری است که توسط غرب و عوامل وابسته آن جهت نابود ساختن فرهنگ و هویت ملی و سلامی مان و بر هم زدن نظم و نظامات زندگی و ایجاد وابستگی در همه ابعاد اعم از فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کشور ما رواج داده است. بطوریکه این مسئله در جامعه ما بصورت یک مشکل اساسی ظاهر شده است. البته این امر در قبل از انقلاب با هدفی خاص دنبال می شده و بعد از انقلاب اسلامی با گرایش سیاسی. البته چند سالی است که تقریباً کشورهای جهان مبارزه با مواد مخدر را دست کم در ابعاد تبلیغاتی از اهم برنامه های اجتماعی خود قلمداد کرده و در این راستا با تشکیل کمیسیون ها و نهادهای ویژه و بسیج عمومی پیشرفته اند، در این میان سازمانهای بین المللی و نهادهای جهانی نیز بیکار ننشسته و بنا به خواست اعضاء مبارزه با مواد مخدر را در متن برنامه های خود گنجانیده اند و در کشور ما نیز مبارزه با سواد گران مرگ و از میان برداشتن شبکه های تهیه و توزیع و حتی آلوده سازی مواد مخدر از برنامه های فوق العاده ای است که دولت و نهادهای مربوطه اعلام کردند.

## اعتیاد

### اعتیاد چیست؟

اعتیاد یک بیماری اجتماعی است که عوارض جسمی و روانی دارد و تا زمانی که به علل گرایش بیمار توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی نتیجه بخش خواهد بود و فرد معتاد دوباره گرفتار مواد اعتیادآور می گردد.

اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است که عوارض ناشی از آن تهدیدی جدی برای جامعه بشری محسوب شده و

موجب رکود اجتماعی در زمینه های مختلف می گردد. همچنین ویرانگری های حاصل از آن زمینه ساز سقوط بسیاری از ارزش ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شده و بدین ترتیب سلامت جامعه را بطور جدی به مخاطره می اندازد.

پدیده شوم قاچاق مواد مخدر بیش از آنکه فعالیتی سوداگرانه، تجاری و اقتصادی در عرصه مافیای اقتصاد بین المللی باشد، ابزاری کارآمد، موثر و

راهبرد در گسترش نظام سلطه صاحبان قدرت جهان بر کشورهای توسعه نیافته است.

تحلیلگران مسائل سیاسی و اجتماعی بر این باورند که در تهاجم و نفوذ فرهنگی، پدیده مواد مخدر مهمترین عامل به تباهی کشیدن و انحطاط اخلاقی جوامع به

شمار می رود. متأسفانه گسترش دامنه مصرف مواد مخدر جامعه امروزی به حدی است که حتی قشر متفکر و تحصیل کرده را نیز به سمت خود کشانده است.

مبارزه با اعتیاد نیز قطعاً بیش از آنکه ماموریتی در راستای وظایف مصرحه نیروی انتظامی باشد، اقدامی است استراتژیک در مقابله با ابزار نظام سلطه جهانی در انحطاط اخلاقی جوامع با اهداف خاص سیاسی.

اعتیاد بعنوان یک آسیب اجتماعی، هیچ گاه بطور کامل ریشه کن نخواهد شد، اما با تدبیر، اندیشه و تلاشی مخلصانه حداقل می توان آنرا به کنترل درآورد. در این

راستا تلاش ما بر این است تا با ارتقاء سطح آگاهی اقشار مختلف جامعه پیشگیری از اعتیاد را بر درمان معتادین مقدم بداریم. به امید روزی که جامعه ای داشته باشیم که اگر هم در آن فرد معتادی وجود دارد، درصدد نجات خویشتن باشد.

آنچه در مورد اعتیاد و مواد مخدر باید بدانیم:

اعتیاد به مواد مخدر یکی از عوامل اصلی شیوع بیماری های ایدز و هیپاتیت می باشد.

مواد مخدر آنچنان آرام و بی صدا بر جسم و روان مصرف کننده مستولی می گردد که هیچ معتادی آغاز اعتیاد خود را به یاد نمی آورد.

اعتیاد سبب تباهی میلیون ها مغز فعال می شود که سرمایه های آینده جامعه بشری بشمار می روند. اگر درصد کمی از کودکانی که والدین آنها معتاد هستند

به سوی بزهکاری سوق داده شوند، بعد از گذشت چندین سال تعداد بزهکاران در این مملکت به هزاران نفر خواهد رسید.

اعتیاد بیش از یک میلیارد نفر از اعضاء خانواده معتادان را در جهان بطور مستقیم با مشکلات ناشی از این آسیب مواجه نموده است.

مواد مخدر منشأ وقوع بسیاری از جرائم اجتماعی نظیر قتل، تجاوز، سرقت و ... می باشد.

مواد مخدر سالانه حدود ۶۰۰ میلیارد دلار سود به حساب سوداگران مرگ واریز می کند که این رقم چند صد برابر کل بودجه کشور ما و بسیاری دیگر از کشورهای بزرگ دنیاست.

سالانه مقادیر قابل توجهی از ثروت ملی کشور به جیب سوداگران مواد مخدر می رود.

قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر برای رسیدن به مقاصد شوم خود به مدرن ترین تجهیزات تسلیحاتی و ارتباطی مجهز هستند.

۷۵٪ از زندانیان کشور را بطور مستقیم و غیر مستقیم مجرمین مواد مخدر تشکیل می دهند.

کشور ما در همسایگی بزرگترین تولیدکنندگان انواع مواد مخدر جهان (افغانستان و پاکستان) موسوم به هلال طلائی و در مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار گرفته است و در این راه خود نیز قربانی آن می گردد.

کشور ما در مقابله با ورود و شیوع این مواد خانمانسوز، بمنظور کنترل و حفاظت مرزهای شرقی اقدام به احداث بیش از هزار کیلومتر جاده، دهها پاسگاه

مرکزی، برجک و دیده بانی و حفر چندین کیلومتر کانال و ... نموده است و هزاران نفر از فرزندان این مرز و بوم نیز به فجیع ترین وضع به شهادت رسیده اند.

مراحل اعتیاد:

۱- مرحله آشنایی

این مرحله با تشویق دیگران (مخصوصا دوستان ناباب) یا از روی غرور و کنجکاوای خود فرد شروع می شود.

۲- مرحله شک و تردید:

در این مرحله فرد با مبارزه با امیال خود می پردازد.

۳- مرحله اعتیاد واقعی:

در صورت ادامه مصرف در مرحله شک و تردید فرد به مرحله اعتیاد واقعی می

رسد. در این مرحله پدیده تحمل باعث می شود که فرد به مرور زمان بر میزان

مصرف خود بیفزاید تا به تشنگی قبلی برسد.

مواد مخدر

مواد سستی زا

مواد توهم زا

مواد توان افزا

مواد مخدر

انواع فرآورده های گیاهان خشخاش، شاهدانه، کوکا و ترکیبات شیمیایی مشابه

که مصرف آنها موجب اعتیاد می گردد.

مواد سستی زا

موادی هستند که مصرف آن بر روی سلسله اعصاب مصرف کننده اثر گذاشته و

در نتیجه فعالیت فکری و بدنی او را سست نماید. این مواد به دو دسته تقسیم می

شوند:

- طبیعی، مانند: استحصالات گیاه خشخاش، تریاک، شیره تریاک، مرفین

- مصنوعی، مانند: هروئین، متادون، نرمتادون، پاپاورین، پتیدین، انواع و اقسام قرص های مسکن و آرام بخش

مواد توهم زا

با مصرف این مواد فرد دچار اوهام حسی و بصری می شود. این مواد را هالوسینوژن می گویند که شامل:

- طبیعی، مانند: استحصالات گیاه شاهدانه، حشیش، بنگ، ماری جوانا، گراس، چرس؛ مسکالین، جو سیاه آفت زده، برخی از قارچهای حاوی مواد توهم زا، دانه

های نوعی نیلوفر وحشی

- مصنوعی، مانند: ال.اس.دی (L.S.D)، دی متیل تریپتامین (D.M.T)، دی اتیل تریپتامین (D.E.T)

مواد توان افزا

مصرف آن بر روی سلسله اعصاب تاثیر گذاشته و در نتیجه فعالیت فکری و

بدنی مصرف کننده بیشتر باعث هیجان می شود. این مواد به دو دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:

- طبیعی، مانند: برگ کوکا، کوکائین، کراک، برگ و ساقه برخی درختان مثل خات و کراتم و ناس

- مصنوعی، مانند: آمفتامین، متیل آمفتامین، ترکیبات آمفتامین ها

مواد سستی زا

خشخاش

بوته ای است یکساله که در مناطق معتدل می روید. رشد سالانه این گیاه به ارتفاعی معادل ۷۰-۱۱۰ سانتیمتر می رسد. در اواسط بهار، بعد از این که گل‌های رنگارنگ آن کم کم شروع به ریختن می کند، از میان گل‌ها کیسول ظاهر می شود که به آن گرز خشخاش می گویند. این گرزها در اواخر بهار و اوائل تابستان

دارای پوست سبزی است که به زردی می گراید. البته، قبل از این که میوه گیاه خشک و زرد شود به روش خاص مبادرت به تیغ زدن آن می نمایند. این کار به وسیله افرادی که تجربه خاصی در تیغ زدن دارند، انجام می شود. آنان در ساعات اولیه شب با تیغهای مخصوص و با ایجاد چندین شیار افقی و یا عمودی و یا مورب بر روی گرزها مبادرت به تیغ زدن می نمایند. صبح روز بعد، شیره

سفید رنگی از محل شکافهای گرز به بیرون ترشح می کند و در مجاورت هوا به صمغ قهوه ای رنگ تبدیل گردیده در پیاله مخصوص جمع آوری و برای تریاک مالی آماده و به صورت لول روانه بازار قاچاق می شود.



## تریاک

### تاریخچه:

قدیمی ترین و مشهورترین ماده مخدر است که از گیاه خشخاش به دست می آید. این گیاه حدود ۲۵۰۰ سال قبل در منطقه مدیترانه کشف می شده است. سابقه این گیاه را تا ۵۰۰۰ سال قبل هم ذکر می کنند، از آثاری که از سومریها باقی مانده است، چنین بر می آید، آنها این ماده را استعمال می کرده اند و با آن گیاه شادی بخش می گفتند، در نوشته های هومر از تریاک نام برده شده است.

### شکل ظاهری:

تریاک شیره منعقد شده تخمدان کال بوته خشخاش است که از نظر علمی به پاپاور معروف است. تریاک آماده مصرف، ماده ای است خمیری به رنگ قهوه ای که برحسب نوع و منطقه کشت خشخاش و آب و هوای منطقه پرورش از قهوه ای روشن تا تیره وجود دارد نامهای دیگر آن افیون، اپیوم و تریاق می باشد.

### الکالوئید:

تریاک دارای ترکیبات بسیاری است که تاکنون ۲۵ نوع موثر آن شناخته شده است. مهمترین آلکالوئیدهای تریاک عبارتند از مرفین، نارکوتین، پاپاورین، تبائین، کدئین و نارسئین.

نحوه مصرف:

- تدخین به وسیله وافور و یا با وسیله ای مانند آن مثل قلیان، قلقلی، سیخ و

سنگ

- استفاده به صورت قرص

- حل کردن در آب با چای و نوشیدن آن

عوارض:

- مغز: وابستگی (اعتیاد)، بی خوابی هنگام شب، خواب آلودگی در طی روز

- تغییرات شخصیتی:

۱- کاهش علائق و انگیزه ها

۲- کاهش احساس مسئولیت

۳- کاهش توجه به تحصیل، شغل و خانواده

۴- افسردگی و بی قراری، پرخاشگری، اغماء به دنبال مصرف زیاد

- گوارش: تهوع و استفراغ، کاهش اسید معده و اختلال در هضم غذا، کاهش

فعالیت روده ها و یبوست مزمن، بی اشتهاپی و کاهش وزن، سوء تغذیه، خشکی

دهان، اختلال در کبد

- پوست: خارش، تیره شدن رنگ پوست، تیرگی لبها، کهیر

- بیضه و تخمدان: کاهش توان و میل جنسی، بهم خوردن دوره های قاعدگی در زنان

- تضعیف دفاع بدن علیه بیماریها: بی حسی و عدم تعادل بدنی، عفونت ریه، یست تنفسی به دنبال مصرف زیاد، انقباض مردمک چشم

شیره تریاک

پس از تیغ زدن گرز خشخاش، ماده ای شیری رنگ از آن خارج می شود که به آن شیره تریاک گویند. این شیره در مجاورت هوا تیره شده به رنگ قهوه ای

تبدیل می گردد.

مرفین

مرفین از کلمه مورفئوس خدای رویایی یونان باستان مشتق شده است و یکی از اجزای اصلی و اساسی تریاک است که به طور متوسط آن هر ۱۰ کیلوگرم تریاک یک کیلوگرم مرفین تهیه می شود. رنگ آن به صورت کرم روشن و گاهی اوقات

به رنگ آرد نخودچی و مزه آن تلخ است. ذرات آن در زیر ذره بین شبیه کریستال های سوزنی است.

از نظر دارویی، ضد درد بوده، با اثرات رخوت زایی که بر روی مغز دارد، باعث کنترل دردهای شدید می شود و به همین خاطر مصرف مجاز آن فقط در بیمارستانهاست.

#### هروئین

هروئین از کلمه هیروس یا هیرو به معنی مرد قهرمان گرفته شده است. البته این کلمه به معنی زن قهرمان، زن برجسته، زنی که خدمات بزرگی به عالم بشریت کرده و زن ایده ال نیز اطلاق می شود.

هروئین یکی از ترکیبات مرفین می باشد که با عمل استیلاسیون بدست می آید. این ماده به رنگ سفید میل به کرم دارای طعمی تلخ و بی بو است که پس از مدتی نگهداری بوی ترشی و سرکه می دهد.

#### نحوه بیدیش:

هروئین، قوی ترین و مخرب ترین ماده مخدر دنیا به شمار می آید که در سال

۱۸۷۴ توسط یک دانشمند انگلیسی ساخته شد و تحقیقات بیشتر را درباره این

ماده دانشمندان آلمان در سال ۱۸۹۰ تکمیل نموده و آن را به عنوان دارو معرفی

نمودند. در ایران اولین لابراتور هروئین سازی در سال ۱۳۳۴ توسط فردی به نام

دکتر مصطفوی ایجاد گردید، وی نحوه ساخت و استخراج هروئین از تریاک را به

عده ای آموخت که باعث به وجود آمدن لابراتورهای بیشتری در سطح کشور گردید.

نحوه استعمال:

هروئین از طریق کشیدن از راه مجاری تنفسی، تزریق داخل رگها و تزریق زیر جلدی استعمال می شود. مصرف هروئین از طریق مجاری تنفسی (دهان) با زوروق به این صورت است که لبه زوروق سیگار یا هر نوع زوروق دیگر را به طرفی که از جنس کاغذ است تا می کنند و با آن یک لوله می سازند، سپس

هروئین را که معمولا حدود ۵ سانتی است روی سطح زوروق دیگری می ریزند و یک تکه مقوای بریده و نازک را به صورت چوب کبریت درآورده پس از آتش زدن زوروق گرفته سپس دود حاصله را از دهان استنشاق می کنند.

در استعمال تزریقی، ابتدا معتادان از رگهایی که جلوی ساعد دستها نمایان است استفاده کرده، پس از آن که مدت طولانی از تزریق نقاط مختلف دستها گذشت و

دیگر این نقاط جوابگو نبود، به ترتیب نوبت به پشت دست، ساق پا، گردن و در نهایت به بیضه ها می رسد. تزریق در بیضه ها آخرین مرحله این گونه معتادان است.

عوارض:

- مغز: وابستگی، افسردگی

- تغییرات شخصی:

۱- کاهش علائق و انگیزه ها

۲- کاهش احساس مسئولیت

۳- کاهش توجه به تحصیل، شغل و خانواده

- بی خوابی هنگام شب، خواب آلودگی در طی روز، پرخاشگری، آبسه چرکی

مغز، عفونت مغز، بیماریهای مختلف ناشی از مرگ بخشی از سلولهای مغزی و

نخاع به دنبال مصرف زیاد

- گوارش: تهوع و استفراغ، کاهش اسید معده و اختلال در هضم غذا بی اشتهایی

و کاهش وزن

- کلیه: ناتوانی در تخلیه ادرار، نارسایی، عفونت کلیه

- پوست: خارش، تیره شدن رنگ پوست، تیرگی لبها، کهیر، عفونت پوست

- ریه: انسداد ناگهانی رگهای تغذیه کننده ریه، عفونت ریه، ایست تنفسی به دنبال

مصرف زیاد

- قلب: نارسایی قلب، بهم خوردن نظم ضربان قلب، عفونت کلیه داخلی و دریچه های قلب

- عروق و خون: سخت شدن دیواره عروق، التهاب عروق، عفونت عروق

- کبد: اشکال در کار کبد، عفونت و التهاب کبد، بیماری مزمن کبدی

- بیضه و تخمدان: کاهش میل جنسی، کاهش توان جنسی

متادون

یک ماده مخدر مصنوعی است که در جنگ جهانی دوم به علت کمبود مرفین برای

تسکین مجروحین به وسیله آلمانی ها ساخته شد. در حقیقت متادون یک داروی

برطرف کننده درد است که برای تسکین سرفه هم از آن استفاده می کنند. گرچه

متادون خود یک ماده اعتیادآورنده قوی است ولی به عنوان یک داروی پزشکی

برای ترک و معالجه معتادان به تریاک، هروئین و مرفین از آن استفاده می کنند.

اثرات دارویی آن تا حدی شبیه به مرفین بوده، با این تفاوت که پس از مصرف،

مدت بیشتری طول می کشد تا اثرات آن ظاهر شود و به مدت طولانی تر در بدن

باقی می ماند.

کدئین

یکی از مشتقات معروف تریاک است که ۲/۰ الی ۸/۰ درصد آن را تشکیل می دهد و به عنوان مسکن در اشکال مختلف قرص، کپسول و شربت در پزشکی کاربرد دارد. اثر کدئین در حدود اثر مرفین است و در صورتی که زیاد مصرف شود علائمی مانند اثرات مرفین خواهد داشت. نحوه مصرف آن به صورت تزریقی و خوراکی می باشد.

#### پاپاورین

یکی از مشتقات موثر تریاک می باشد که سفید کریستالی است و از نظر زهرآگین بودن حد وسط مرفین و کدئین است. ماده ای است نشاط آور و محرک. کار عضلات صاف مثل روده را کند کرده و باعث شل شدن آنها می گردد. در برونشها و رگها انبساط ایجاد نموده و در آب نامحلول است و در الکل حل می شود.

#### پتیدین

این ماده هم مثل متادون از داروهای سستی زای مصنوعی می باشد که قدرت ضد درد آن از مرفین کمتر است و عضلات بدن را سست و شل می کند.



## اعتیاد و خانواده

بیشترین تاثیر مخرب اعتیاد بر ارکان خانواده وارد می آید، همانطوری که موثرترین عامل پیشگیری از اعتیاد نیز نهاد خانواده است.

توصیه پیشگیرانه به والدین

۱- درباره مواد اعتیادآور (علل و عوامل موثر در مصرف مواد، خطرات، عوارض

و علائم آن) اطلاعات کافی کسب کنید.

۲- مهارت های تربیتی خود را افزایش دهید.

۳- الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشید و هرگز بر خلاف گفته خود عمل

نمائید.

۴- فضایی ایجاد کنید که فرزندان در آن احساس آرامش کنند.

۵- به صحبت های فرزندان خوب گوش کنید، با لیخنه، تکان دادن سر و

استفاده از جملات مثبت نظیر «چقدر جالب»، «من این را نمی دانستم» و ... آنها را

به گفتن بیشتر تشویق کنید.

۶- شرایطی ایجاد کنید که شما را محرم اسرار خود بدانند.

۷- از فرزندان انتظار نداشته باشید آرزوهای برآورده نشده شما را تحقق

بخشند.

۸- از قبل، خود را برای پاسخگویی به سوالات کنجکاوانه فرزندان آماده نمائید. ممکن است روزی از شما بپرسند که آیا تاکنون مواد مصرف کرده اید؟ این فرصت خوبی است که علت عدم مصرف خود را به زبان سال های جوانی به آنها منتقل کنید، یا اگر احيانا قبلا مصرف کرده اید علت گرایش خود به مواد و سپس کنار گذاشتن آن را به ایشان بگوئید و اینکه حالا چرا می خواهید ایشان اشتباه شما را تکرار نکنند. بیاد داشته باشید که نباید مسائل را بیش از اندازه تشریح کنید مبادا کنجکاوی آنها برانگیخته شود.

۹- با تقویت قدرت اعتماد به نفس، تصمیم گیری و از بین بردن افسردگی و کم رویی فرزندان، آنها را در برابر شرایط آسیب زا مقاوم سازید.

۱۰- راه مقاومت و پایداری در برابر فشار همسالان را در خصوص مصرف مواد مخدر به فرزندان بیاموزید تا از «نه» گفتن به آنها نهراسند.

۱۱- موانع را بردارید، به فرزندان انگیزه داده و از آنها حمایت کنید.

۱۲- وقت بیشتری را با فرزندان صرف کنید. با آنان به رستوران، پارک، کوه،

سینما و ... بروید. باتفاق آنان به موسیقی گوش دهید و از همه مهمتر به آنان

ابراز عشق کنید و بگویید که دوستشان دارید.

۱۳- سعی کنید حتی آهنگ صدایتان ملایم و دوستانه باشد.

۱۴- مواضع خود را برابر سیگار، مواد مخدر و الکل مشخص نموده، صریحا آنرا به زبان بیاورید.

۱۵- عقاید خود را به زور به آنها تحمیل نکنید.

۱۶- نظم و قانون مناسب و سازنده مشخصی در خانواده برقرار سازید و برای سرپیچی از آن تنبیهات مناسبی در نظر بگیرید و قاطعانه آنرا به مرحله اجرا در آورید.

۱۷- سعی کنید در ساعات غذا خوردن همه اعضاء خانواده را دور هم جمع کنید.

۱۸- فرزندان خود را قبل از رسیدن به سنین بحرانی نسبت به مضرات و عواقب ویرانگر مصرف مواد مخدر آگاه سازید.

۱۹- آنان را بیش از اندازه و بطور اغراق آمیز نترسانید.

۲۰- از چگونگی دوست یابی و معاشرت فرزندان خود با دیگران آگاه باشید، با والدین دوستانشان ارتباط برقرار کنید. در صورتی که به منزل دوستشان رفتند

حتما از حضور والدین ایشان در منزل مطمئن شوید و به حضور سایر اعضاء خانواده اکتفا نکنید.

۲۱- به نحوه خرج کرده پول توسط فرزندانان اهمیت بدهید.

۲۲- برای اوقات فراغت آنان برنامه ریزی کنید. همواره آنان را به مطالعه، ورزش و تفریحات سالم ترغیب نمائید و زمینه این امور را برایشان فراهم کنید.

۲۳- زمان مناسبی را به گفتگو اختصاص دهید. چرا که فرزند شما ارزش نصیحتان را با ارزش زمانی که به آن اختصاص داده اید می سنجد.

۲۴- راهنمایی های خود را از طریق مربیان و دبیرانشان به آنها منتقل کنید. جوانان باورها و ارزش های خود را دارند. طبیعتاً اگر والدین بهترین نصایح را هم بگویند ممکن است آنها را نپذیرند. شنیدن نصایح شما از زبان مربیان و دبیرانشان تاثیر بیشتری بر آنها می گذارد.

۲۵- بین فرزندان تبیض قائل نشوید.

۲۶- تفکر انتقادی را که از ویژگی های دوران بلوغ و نوجوانی است، در فرزندان خود سرکوب نکنید.

۲۷- آنان را به رعایت اصول مذهبی و انجام فرائض دینی تشویق کنید.

۲۸- در انجام فعالیت های منطقی به فرزندان خود استقلال و آزادی بدهید.

۲۹- در رفتارهای خود بیشتر دقت کنید. ممکن است با تمسخر یک معتاد و یا صحبت کردن با لحن افراد معتاد پیامی نادرست به فرزندان منتقل کنید.

۳۰- اگر می خواهید مانع پویایی و رشد جسم و روان فرزندانان نشوید، از انتقاد غیر سازنده، تمسخر و شرمنده کردن آنان مخصوصا در مقابل دیگران جدا بپرهیزید.

۳۱- فرزندانان را به خاطر رفتارهای مثبت آنان تشویق کنید.

۳۲- در موقعیت های بحرانی، فشارها و تنش های روحی، راهنما و همراه فرزندان خود باشید.

۳۳- هرگز فضای خانه را متشنج ننموده و از مشاجره و بحث های بیهوده بپرهیزید.

۳۴- مسئولیت و تکلیفی به فرزندان خود بدهید که با توان آنان متناسب باشد.

۳۵- در روابط خود با فرزندانان همواره صادق و مهربان باشید.

۳۶- از تنها گذاشتن فرزندان خود در منزل، بویژه هنگامی که به مسافرت یا میهمانی می روید جدا خودداری نمائید.

۳۷- به حس ششم خود توجه کنید. هرگاه در درون خود احساس کردید که مشکل خاصی وجود دارد حتما آنرا جدی بگیرید.

۳۸- در صورت شک و تردید، وسائل شخصی و لباسهای فرزندانان را مخفیانه بازرسی نمائید.

۳۹- ترحم به معتادین محله تان را خیانت به فرزندان خود بدانید.

۴۰- همواره در نظر داشته باشید که خانواده ها در زمینه پیشگیری از اعتیاد

نقش بسیار موثری در مقایسه با نیروی انتظامی و سایر سازمان های مسئول بر عهده دارند.

۴۱- رعایت بسیاری از نکات مذکور منحصر به والدین نبوده بلکه سایر اعضاء

خانواده بویژه برادران و خواهران بزرگتر را نیز در برمی گیرد و چه بسا

تاثیرپذیری جوانان و نوجوانان از آنها در بسیاری از موارد بیش از پدر و مادر

باشد.

### توصیه پیشگیرانه (دوستانه) به جوانان و نوجوانان

۱- خطرات و عوارض مصرف مواد اعتیادآور را خوب بشناس

۲- به هر کس که به تو مواد تعارف کرد محکم و قاطع بگو «نه» اینکه ما بتوانیم

به دوست خودمون «نه» بگیم خودش یک هنر است. افراد خوش فکر هر تعارفی

که مخالف سلامتی شونه براحتی رد می کنن.

۳- جوابهایی از قبل برای اصرار زیاد اطرافیان آماده کن. پیشاپیش به این جمله

ها فکر کن «خیلی کیف داره»، «شنگول میشی»، «سر حال میشی» و اگر کمی

تردید کنی میگوین: «بچه ننه ای»، «اول تجربه کن بعد بگو بده»، «هنور مرد نشدی»،  
«پس چرا فلانی کشید و معتاد نشد»؟ و ...

۴- مواد مخدر را حتی یک بار هم امتحان نکن. هیچکس توی دنیا نمی تونه به تو اطمینان بده که یکبار مصرف کردن معتادت نمی کنه. اصلا مگه معتادی وجود داره که بخاطر معتاد شدن مصرف مواد را شروع کرده باشه؟ پس این همه معتاد از کجا اومدن؟! یا دوست داری پریدن از طبقه بیستم یک ساختمان یا لمس کردن سیم های بدون روکش برق را حتی برای یک بار هم امتحان کنی؟

۵- یادت باشه که کشیدن سیگار مقدمه ایه برای اسارت در چنگال اعتیاد به مواد مخدر

۶- از رفت و آمد در مکان های آلوده و دوستی با افراد مشکوک پرهیز کن.

۷- از دوستی با افرادی که اختلاف سنی اونا با تو زیاده خودداری کن.

۸- مواد اعتیادآور سم کشنده ایه که اثراتش به تدریج ظاهر می شه.

۹- به صحبت های پدر و مادرت که خیرخواه ترین دوستان تو هستن اطمینان کن. ارتباطت را با اونا محکم کن.

۱۰- اعتقادات و پایبندی مذهبی خودتو تقویت کن.

۱۱- با مطالعه، ورزش و تفریحات سالم برای اوقات فراغت خود برنامه ریزی کن.

۱۲- اونی که مواد مخدر رو به جوونا معرفی می کنه، چهره اش فرقی با دیگران نداره. پس دوستان و نزدیکان خودتو خوب بشناس.

۱۳- بعضی ها فکر می کنن با بقیه فرق دارن و هر وقت که اراده کنن می تونن مصرف مواد رو کنار بگذارن، در حالی که این طرز تفکر منجر به اعتیاد می شه.

۱۴- به هنگام سختی و ناراحتی با پدر و مادر و یا یک بزرگتر مطمئن و قابل اعتماد مشورت کن.

۱۵- اگه نمی تونی حرفتو به اونا بزنی مشاورین نیروی انتظامی با جان و دل حرفهای تو رو می شنون و کمکت می کنن.

### عوامل موثر در گرایش به مواد مخدر

۱- عوامل فردی:

حتی اگر همه عوامل بوجود آورنده اعتیاد نیز مهیا باشد، باز در نهایت خود فرد برای مصرف مواد تصمیم می گیرد. ضعف ایمان و اخلاق، کنجکاوی، تمتع، معاشرت با دوستان ناباب و نداشتن اعتماد به نفس و ... از عوامل فردی گرایش افراد به مصرف مواد می باشند.



دستیابی به هیجان‌ات دوره جوانی، تقلید از دوستان، خارج شدن از فشارهای عصبی و روانی، فرار از مشکلات زندگی، غرور، کنجکاوی، مسائل جنسی و

شکست‌های اجتماعی، همه از انگیزه‌های مصرف مواد اعتیادآور در بین افراد جامعه بویژه جوانان محسوب می‌گردد. بنابراین برای اینکه افراد بتوانند در مواقع خطر خود را از چنگ اعتیاد دور سازند، ارتقاء بخشیدن به توانایی‌های ایشان کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. افزایش مهارت‌های زندگی (مهارت حل مشکل، قدرت تصمیم‌گیری، توانایی «نه» گفتن، هنر دوست‌یابی و ...) از عوامل

حفاظت‌کننده فردی است که اگر امروز آنها را به فرزندانمان نیاموزیم فردا در غیاب ما در مقابل اصرار دوستان قدرت مقاومت نخواهند داشت.

۲- عوامل خانوادگی:

ارتباطات کمرنگ عاطفی

وجود پیوند و ارتباطات عمیق خانوادگی نقش بسزائی در پیشگیری از اعتیاد دارد

و هر قدر این روابط به سردی گراید خطر اعتیاد در محیط خانواده نیز افزایش می‌یابد.

عدم مهارت والدین در تربیت فرزندان

وجود فرد معتاد در خانواده، سهل انگاری در توجه به زنگ خطرها مثل مصرف سیگار، ایجاد تنش و درگیری بین اعضاء خانواده، عدم گفتگو پیرامون اعتیاد در خانواده، فقر مادی یا رفاه اقتصادی خانواده دیگر عوامل گرایش به مصرف مواد می باشد.

خانواده های بدسرپرست، بی سرپرست و تک سرپرست در این خانواده ها به خاطر عدم وجود یکی از والدین و یا عدم صلاحیت آنان در تربیت آنان در تربیت فرزندان احتمال بروز اعتیاد افزایش خواهد یافت.

### ۳- عوامل اجتماعی:

نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، در دسترس بودن مواد، تسلط گروههای اقلیت نژادی، بیکاری، رشد بی قواره صنعت، جنگ و بحران اقتصادی، عدم اطلاع رسانی جامع و کامل در زمینه عوارض جسمی، روحی و اجتماعی اعتیاد، وجود باورهای نادرست اجتماعی و ضعف فرهنگ مشاوره از عوامل مهم گرایش به

سوء مصرف مواد مخدر به شمار می روند.

آئین نامه اجرایی قانون مبارزه با مواد مخدر

ماده ۱: این آئین نامه در اجرای ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و ابلاغ می گردد:

الف- قانون: منظور از کلمه «قانون» در این آیین نامه، قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد.

ب- ستاد مبارزه با مواد مخدر که از این پس ستاد نامیده می شود:

منظور «ستاد مبارزه با مواد مخدر» است که در اجرای ماده ۳۳ قانون فوق الذکر کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در آن متمرکز گردیده است.

ج- شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر که از این پس شورای هماهنگی نامیده می شود: شوراهای استانی موضوع ماده هشت تشکیلات و شرح وظایف ستاد

که به موجب مصوبه یازدهمین جلسه ستاد مورخ ۶۷/۱۲/۹ که مستقیماً زیر نظر مرکز فعالیت می کنند تاسیس شده است.

د- سازمان کاشف: سازمانی است که مامورین آن مستقیماً در اولین عملیات کشف جرم و توقیف متهمین شرکت داشته و در صورتجلسه بدوی نام آنها ذکر شده باشد.

ه- کمیسیون فروش: منظور کمیسیونهای موضوع ماده (۱) کلیات آیین نامه اجرایی فروش اموال منقول و غیر منقول موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سی امین جلسه ستاده مورخ ۶۸/۹/۲۲ می باشد.

و- کمیته شناسایی اموال: کمیته ای است که به موجب مصوبه پنجاه و دومین

جلسه ستاده مورخ ۷۵/۴/۴ متشکل از نمایندگان دادگاه انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات به منظور شناسایی اموال منقول و غیر منقول قاچاقچیان مواد مخدر تاسیس و زیر نظر شورای هماهنگی فعالیت می نماید.

ز- مامورین تعقیب: کلیه ضابطین قانونی که به موجب مقررات در کشف جرائم مواد مخدر و شناسایی و دستگیری متهمین اقدام می نمایند.

ماده ۲: مرتکبین جرائم مواد مخدر، که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون (۷۷/۶/۳۱) مرتکب جرم شده اند با لحاظ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی در صورتی به استناد این قانون محکوم می شوند ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی: در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی باید به موجب

قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی توان به عنوان جرم به موجب قانون متاخر مجازات نمود، لیکن اگر بعد از وقوع جرم، قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود.

در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

۱- اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، در این صورت حکم قطعی اجرا نخواهد شد و اگر در جریان اجرا باشد موقوف الاجرا خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در مواردی که حکم قبلا اجرا شده باشد هیچگونه اثر کیفری بر آن مرتبط نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی گردد.

#### علائم استعمال مواد مخدر

- ۱- تغییر رنگ چهره مخصوصا لب ها
- ۲- تغییر حالت مردمک چشم
- ۳- تغییر کیفیت صدا در اثر التهاب تارهای صوتی

- ۴- داشتن چهره مغموم و محزون
- ۵- خواب آلودگی و کم تحرکی
- ۶- تغییر ساعات خواب و بیداری
- ۷- تمایل به گوشه گیری و معاشرت کمتر با اعضاء خانواده
- ۸- عدم توجه به نظافت و آراستگی ظاهری
- ۹- لاغر شدن و کاهش شدید وزن بدن
- ۱۰- معاشرت با دوستان ناباب
- ۱۱- ماندن بیش از حد معمول در توالت بصورت مکرر
- ۱۲- بستن در اتاق به روی خود برای مدتی طولانی و نیز قفل کردن آن به هنگام خروج از منزل
- ۱۳- خارش پوست مخصوصا نوک بینی
- ۱۴- وجود آثار سوختگی در انگشتان و سایر اعضاء بدن و نیز در وسائل خانه
- ۱۵- یافتن وسایل مربوط به استعمال مواد مخدر یا وسائلی که به نوعی با آن مرتبط می باشد نظیر زورق با دستمال کاغذی آلوده، کاغذ لوله شده، میله فلزی، لوله خودکار آلوده، قرص های خواب آور، قطره استریل چشمی و غیره

۱۶- درخواست مکرر پول برای امور نامشخص یا مفقود شدن اشیاء و وسائل

قیمتی منزل

۱۷- آبریزش بینی بصورت مداوم

۱۸- افزایش تعریق

۱۹- جرم گرفتگی دندانها و زبان

۲۰- کاهش اشتها و تمایل زیاد به مصرف سیگار

۲۱- عصبانیت و پرخاشگری

۲۲- تغییر در گفتار و رفتار

۲۳- خودداری نمودن از کارهای سنگین و جسمانی

۲۴- بی علائگی به تحصیل و غیبت های غیر موجه در مدرسه

۲۵- پرگویی و دروغگویی و صحبت های نابجا

۲۶- ضعف حافظه

۲۷- عدم پایبندی به عهد و پیمان و عدم احساس مسئولیت

۲۸- استفاده غیر معمول از عطر و ادکلن

۲۹- خنده های بی مورد، قرمز شدن سفیدی چشم و خیره شدن به یک نقطه (از

علائم مخصوص مصرف حشیش)

## اعتیاد به مواد مخدر از دیدگاه چند فاکتوری

اعتیاد به مواد مخدر، یک بیماری اجتماعی نسبتاً جدید می باشد. این بیماری از

اواسط دهه هفتاد تا شروع دهه هشتاد به گسترده ترین نحو شیوع پیدا کرد. در

همین دوران، افکار عمومی نیز علاقه ی وافری درباره ی این مسئله نشان می داد.

در آن هنگام نخستین مطالعات و بررسی ها در مورد این بیماری صورت گرفت

که نتیجه ی آن وضع قوانین جدیدی بود که قوانین ۲۰ ساله گذشته را از اعتبار

ساقط نمود. نخستین مراکز مشاوره معتادین مواد مخدر دائر گشت و گروه های

مختلفی از مددکاران اجتماعی در مراکز بهداشت عمومی پا به عرصه ی حیات

گذاشتند که بیشتر در زمینه پیشگیری فعالیت داشتند و غالباً با کمک حضور ذهن

لحظه ای خود کار می کردند. اواخر دهه هفتاد متادون به بازار آمد، دارویی که

شکل افسانه ای بخود گرفت و بحث های مفصل را به همراه داشت. از آن به بعد

«خانه های اشتراکی درمانی»، «مراکز اضطراری» و «اقامتگاه های موقت» برای

معتادین گشوده شدند.

تحت شرایط آن دوران علاقه ی پژوهشی خاصی در مورد جنبه های بالینی

اعتیاد به مواد مخدر شکل گرفت که بعد از گذشت دهه ها هنوز پابرجاست. ظاهراً

رشد فعالیت های پژوهشی رابطه ی مستقیمی با گسترش روزافزون مواد مخدر



بویژه با تجارت هروئین داشت. تجارت نامبرده در این سالها دوران طلایی خود را طی می کرد، زیرا که سازمانهای جنائی گوناگون در این میدان وسیع به فعالیت می پرداختند. این شرایط منجر به عرضه ی انبوه مواد غیر قانونی مخدر گشت که بنابر تاثیر اجتماعی خود، بازتاب وسیعی در عرصه ی تقاضا در بخش هایی از جوانان جامعه پیدا کرد.

این جنبه ی آخر قضیه ی، دانشمندان را بر آن داشت تا با دقت بیشتری به حالات قابل رویت معتادان، شخصیت رفتار و محیط و به ویژه خانواده منشا آنان توجه

نمایند اما تا به امروز نتایج روشن و جامعی به دست نیامده که قادر به توضیح پدیده ی اعتیاد به مواد مخدر و همچنین ارائه تصویری روشن از جنبه های بالینی و فراگیر این پدیده باشد. البته اظهار نظرات و آمار تقریبی چندی انجام گرفته، منتهی تا حدی که شاخه های مختلف علمی شرکت کننده، مشاهدات گوناگون خویش را با یکدیگر منطبق ساخته اند. این موضوع بویژه هنگامی رخ

می نماید که در جستجوی علل اجتماعی گسترش بی حد و مرز مواد مخدر باشیم. مطلبی که برای توضیح یک مورد خاص و یا حالات مشابه در اعتیاد به هروئین کافی بنظر می رسد، در مورد کشف دلایل و توزیع انبوه زیادی از انسانها که بهطور میلیونی با این مسئله درگیر می باشند. کافی نیست و ابزار

بررسی و مطالعه ی دیگری می طلبد (تخمین زده می شود که در ایالات متحده آمریکا ۵۰ میلیونی نفر دارای تجربه مصرفی ماری جوانا می باشند).

زمانی که در سالهای ۹۲-۱۹۹۱ علاقه و نیروی خود را متوجه پروژه ی تحقیقی «رابطه اعتیاد به هروئین و ساختارهای خانوادگی» نموده ایم. به شناخت کم خود در این زمینه اذعان کردیم. آیا ساده انگارانه نبود که تنها یک بخش از واقعیت (یعنی خانواده) را بطور ارادی مورد بررسی قرار دهیم و بدینوسیله عناصر اجتماعی گوناگون را از نظر دور داریم که سهم عمده ای در پیدایش این پدیده داشتند؟

همانگونه که در مقدمه یادآور شدیم تصمیم ما برای انجام این پروژه پژوهشی دارای انگیزه های ایدئولوژیک نبوده، بیشتر محاسبات عملی را در نظر می گرفتیم که این موضوع البته با آموزش و تربیت ما بعنوان درمانگر رابطه ای مستقیم داشت. علاقه ما بیشتر به بررسی شرایط وضعیت خانواده ها بود. زمینه های

پیدایش این علاقه در کار درمان طولانی مدت و تجربیات بالینی با خانواده های معتادین به مواد مخدر قابل جستجو بود. هدف گروه، روشن کردن ساختارها و مدل‌های سازماندهی در خانواده هایی بوده که عضوی از آن مبتلا به اعتیاد به هروئین می شد. ما به دنبال یافتن رابطه سبب شناسی بیماری بین تاریخچه ی

روابط عاطفی در خانواده و عارضه ی اعتیاد بودیم. در بررسی جنبه های ارتباطی جوانان که مبتلا به اعتیاد به هرئین می شد. ما به دنبال یافتن رابطه ای سبب شناسی بیماری بین تاریخچه ی روابط عاطفی در خانواده و عارضه ی اعتیاد بودیم. در بررسی جنبه های ارتباطی جوانانی که مبتلا به مواد مخدر بودند، از این نظر حرکت می کردیم که ساختار منحصر به فرد خانوادگی آنان، مانع تلاش جوانان در دوران بلوغ و رشد و تقبل مسئولیت فردی زبان می باشد و جوانان در این حالت بدون آنکه نسبت به این مطلب آگاهی یابند، به خسران روحی دچار می گشتند.

علاوه بر آن سوء استفاده از مواد مخدر بوده از مشکلات حاوی بر می داشت که در دوران بلوغ تمامی پیکره های خانواده را در بر می گرفت، والدین در این گونه موارد به انتقال احساس مسئولیت به فرزندان خویش به عنوان شخصیتی مستقل موفق نمی گشتند. همچنین آنها در مقابل «اطلاعات» ویژه ی دوران بلوغ مانند

رفتارهای متضاد و غیر قابل پیش بینی که بعضا با ارزش های حاکم در تعارض می باشند و یا حالت طغیانگری و یا در خود فرورفتگی و گاه افسردگی واکنشهای بسیار نامطلوب و سختی از خود نشان می دادند.

بزرگسالان در این مرحله غالباً بی کفایتی زیادی از خود نشان می دهند و قادر به برخوردی توأم با انعطاف با فرزندان خود که قدم در راه استقلال می گذاشتند

نبودند، و بنابراین نمی توانستند به آنها رفتاری اطمینان بخش منتقل نمایند که در صورت لزوم و ایجاد گرفتاری به آن تکیه نموده، با ترمیم و بهبود مشکلات اجتماعی و کسب اطلاعات جدید، مجدداً به راه مستقل خویش ادامه دهند.

رفتارهای گوناگون پیش عارضه ای که والدین می باید به موقع و با انعطاف و بدون نگرانی متوجه آن می شدند از طرف اینگونه خانواده ها به عنوان تهدیدی

بزرگ تلقی می گشت. واکنشهای نامطلوبی که این خانواده ها در مقابل نخستین تلاشهای معترضانه و استقلال جویانه جوانان، نشان می دادند، بیانگر انگیزه های مختلفی بود که ما به ترتیب مورد دقت و توجه خود قرار خواهیم داد. مشکلات و اختلافات حل نشده نزد والدین - درگیری، دعوا و کشمکش با خانواده های منشا حوادث قابل پیش بینی و مخصوصاً حوادث غیر قابل پیش بینی در سیکل زندگی

مانند: از دست دادن نزدیکان، ترک یک عضو خانواده و یا اضافه شدن عضو دیگری، فرزندان ناخواسته، تغییر محل زندگی و ...